

## عوامل بداخلاقی در خانواده از منظر آیات و روایات

مهديه بواني<sup>۱</sup>

### چکیده

بد خلقی، ضد حسن خلق است. به همان اندازه که خوش خلقی، پسندیده و نیکوست، بداخلاقی، نکوهیده و زشت است و هر قدر حسن خلق جاذبه دارد و کمال به حساب می‌آید. بدخلقی دافعه دارد و نقص محسوب می‌شود. بدخلقی، بدترین همنشین انسان، نشانه پستی و فرومایگی و مایه بدبختی بوده و خیر دنیا و آخرت را از انسان سلب می‌کند. بداخلاقی در خانواده بر اثر عواملی ایجاد می‌شود و برای جلوگیری از آن می‌بایست علاوه بر آگاهی نسبت به این عوامل آثار آن نیز بررسی گردیده و راهکارهایی برای جلوگیری از بروز آن نیز ارائه گردد. از این رو هدف از تحقیق پیش‌روی، یافتن پاسخی برای این پرسش است که عوامل بداخلاقی در خانواده از منظر آیات و روایات چیست. دستاورد حاصل از پژوهش‌های انجام شده با روش توصیفی - تحلیلی، دستیابی به این مهم است که مهم‌ترین عوامل بداخلاقی در خانواده عبارتند از: سوء ظن، بی‌اعتنایی به همسر و نیازهای او، بد زبانی و عیب جویی. در نتیجه می‌توان گفت برای جلوگیری از بروز بداخلاقی می‌بایست محبت را در خانواده افزایش داده و گذشت و بخشش و مسئولیت‌پذیری افراد خانواده نسبت به یکدیگر را ترویج نمود.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق، بداخلاقی، حسن خلق، خانواده.

---

۱. مقطع سطح ۲ مرکز آموزش‌های غیرحضوری حوزه علمیه خاوران قم

## مقدمه

زیباترین پیوند بشری، پیوند پاک دو انسان براساس مقررات الهی است که حیات نسل بشر را میسر ساخته و زندگی را تداوم می‌بخشد. محصول این پیوند مبارک فطری که با تأیید آسمانی همراه گشته، کانون مقدس خانواده است که بقایش برکات بسیار و زوالش آفات و ضایعات فراوان در بر دارد. تربیت انسان‌های بزرگ- که تاریخ را با همت بلند خود شکل داده‌اند- توسط پدران و مادرانی انجام گرفته که در این کانون نورانی به انجام وظیفه پرداخته‌اند؛ واحد کوچک خانواده که جامعه بزرگ بشری از آن ساخته شده، تربیت انسانها را از بُعد اخلاقی، روحی و اجتماعی عهده‌دار است. بدون وجود کانون گرم خانواده، شیرازه جوامع بشری گسسته شده، تعادل حیات انسانی از بین خواهد رفت.

توجه فراوانی که در سیره معصومین علیهم السلام به حفظ و گسترش این پیوند، معطوف شده، بیانگر اهمیت و ضرورت حیاتی آن است. کانون خانواده منبع صفا، محبت و امید بوده، مایه تکامل روحی، اخلاقی و اجتماعی انسان است.

در سایه ازدواج، رشد و کمال ویژه‌ای به دست می‌آید که شاید جایگزین نداشته باشد. قرب الهی، رشد عاطفی، بهبود وضع اقتصادی، بلوغ اجتماعی و دهها نعمت و برکت دیگر، ثمره شیرین ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده است.

دستیابی به این کمالات در صورتی میسر است که ارکان سعادت خانواده بر بنیان استواری پایه‌گذاری شده و با برنامه صحیحی ادامه یابد. در این تحقیق، سعی شده تا با استفاده از رهنمودهای اخلاقی قرآن کریم و اولیای گرامی اسلام، عوامل بداخلاقی در خانواده و آثار آن مورد بررسی قرار گرفته و راهکارهایی برای پرهیز از آن ارائه گردد.

بعد از جستجو در سایت‌های اینترنتی، مقالات و کتاب‌های مرتبط با موضوع «عوامل بداخلاقی در خانواده از منظر آیات و روایات» این نکته به دست آمد که تاکنون پژوهشی با این عنوان صورت نگرفته است؛ لذا باید گفت موضوع مقاله‌ی حاضر از جمله موضوعات جدید پژوهشی است. ولی در ذیل برخی پژوهش‌ها به برخی از عوامل بداخلاقی در خانواده اشاره شده است.

برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع عبارتند از:

مقاله: حسن خلق در آموزه‌های قرآنی، نویسنده: کمال حق شناس؛ در این مقاله، نویسنده ضمن بررسی اهمیت حسن خلق و نیک‌خویی، عوامل پیدایش آن را در وجود آدمی بررسی کرده و برخی از آثار و نتایج برخورداری از این صفت پسندیده را برشمرده است.

مقاله: مبانی نظری حسن خلق در قرآن و حدیث، نویسندگان: راضیه حیدری، سهراب مروتی؛ در این مقاله سعی شده است پس از تبیین معنای دقیق واژه حسن خلق، مبانی نظری آن در سه دسته خدانشناسی، انسان شناسی و جهان شناسی بررسی شده و در هر دسته با استناد به آیات و روایات مشخص شود که هر کدام از این موارد چه تأثیری در حسن خلق دارند.

مقاله: چیستی «حسن خلق» و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی، نویسنده: عباس پسندیده؛ نویسنده در این مقاله حسن خلق را این‌گونه بیان می‌کند که حسن خلق یک خُلقِ مثبتِ توسعه یافته‌ای است که دامنه خیر آن از خودِ فرد فراتر رفته و به دیگران می‌رسد و موجب سهولت در ارتباط و زیبایی آن می‌شود. در این مقاله، هشت مصداق برای حسن خلق بیان شده که عبارتند از: الفت‌گیری و الفت‌پذیری، نرم‌خویی، خوش‌گویی، خوش‌رویی، شوخ‌طبعی، خرسندی در خوشایندها، ناخرسند نشدن در ناملایمات، و مهار خشم.

مقاله: قدرت خوش اخلاقی، نویسنده: سید مصطفی علم خواه؛ نویسنده در این مقاله سعی دارد این نکته را بیان کند که خوش اخلاق بودن چه توانایی‌هایی به انسان می‌دهد. با برخورد شاد اجتماعی چه کارهایی را می‌توان انجام داد و چه تأثیر و نیرویی را می‌توان ایجاد کرد نویسنده‌ی این مقاله به این نکته اشاره می‌کند که خود خوش اخلاق بودن توانایی بزرگی است و به دست آوردن آن کار آسانی نیست.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- اخلاق

واژه‌ی «اخلاق» در اصل عربی و جمع «خُلُق» و «خُلُق» است و در لغت به معنای گوناگون آمده است؛ همچون: ویژگی ذاتی، حالت طبیعی، خوی، فطرت، جوهره<sup>۱</sup> و طبیعت<sup>۲</sup> و نیز به معنای سرشت و سجیه، اعم از سجیه و سرشت نیکو و پسندیده \_ مانند جوان مردی و شجاعت \_ یا زشت و ناپسند \_ مانند بخل و فرومایگی \_ آمده است.

اخلاق، جمع "خلق" است به معنای سرشت، خوی، طبیعت و امثال آن؛ که به معنای صورت درونی و باطنی و ناپیدای آدمی به کار می‌رود<sup>۳</sup> که با بصیرت درک می‌شود؛ در مقابل خلق که به صورت ظاهری انسان گفته می‌شود، که با چشم قابل رویت است.<sup>۴</sup>

بسیاری از فلاسفه و حکمای اسلامی، اخلاق را با توجه به همان معنای لغوی تعریف کرده‌اند. حکمای گذشته، روح و نفس غیرمادی انسان را خاستگاه هر گونه رفتار ظاهری و عمل آدمی می‌دانستند و از این رو اصل در اخلاق را توجه به صفات نفسانی انسان می‌دانستند که ثمره اصلاح نفس و درون، در رفتارها و اعمال بیرونی به سرعت آشکار می‌شود. از این رو عموماً اندیشمندان اسلامی نیز که به اصل وجود نفس اعتقاد داشتند اخلاق را به گونه متناسب با همین مسئله تعریف نموده‌اند .

گاه منظور از اخلاق در اصطلاح اندیشمندان هرگونه صفت نفسانی است که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صورت نفسانی به صورت پایدار و راسخ باشد و چه به صورت ناپایدار و غیرراسخ و چه از روی تأمل و اندیشه صادر شود یا بدون تفکر و تأمل. در عین حال شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان اسلامی عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل و تروی از آدمی صادر شود.» و در این نوشتار نیز هر کجا از واژه‌ی اخلاق استفاده شده همین معنا مقصود بوده است.

۱. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۱۵۶.

۳. الزبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۲۵، ص ۲۵۷.

۴. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶.

«ابن مسکویه» در کتاب "تَهْذِيبُ الْأَخْلَاقِ وَتَطْهِيرُ الْأَعْرَاقِ" می گوید: «خُلُقِ هِمَانِ حَالَتِ نَفْسَانِي اسْتِ كِهْ اِنْسَانِ رَا بِهْ اِنْجَامِ كَارِهَائِي دَعْوَتِ مِي كَنْدِ بِي اَنْ كِهْ نِيَازِ بِهْ تَفَكَّرِ وَ اِنْدِيْشِهْ دَاشْتِهْ بَاشْد.»<sup>۱</sup>

همین معنی را مرحوم فیض کاشانی در کتاب "حقایق" آورده است، آنجا که می گوید: «بدان که خوی عبارت است از هییتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می شود.»<sup>۲</sup>

شهید مطهری تعریفی از اخلاق را می پذیرد که هم به چگونه رفتار کردن توجه کرده باشد و هم به چگونه بودن؛ چگونگی رفتار مربوط می شود به اعمال انسان که شامل گفتار هم می شود و چگونه بودن مرتبط با صفات و ملکات نفسانی است.<sup>۳</sup>

## ۱-۲- حسن خلق

حُسْنِ خَلْقِ (به عربی: حَسَنُ الْخَلْقِ) ترکیب اضافی به معنای نرم‌خویی و خوش‌گفتاری و گشاده‌رویی در برخورد با دیگران است.<sup>۴</sup> در کتاب‌های اخلاقی؛ برای حُسْنِ خَلْقِ و خوش اخلاقی دو معنا بیان شده است:

الف) اتصاف به فضایل اخلاقی و تحصیل مجموعه کمالات و خصلت‌های پسندیده‌ای که انسان در مسیر خودسازی و پرورش نفس، خود را به آنها می‌آراید.<sup>۵</sup>

ب) نرم‌خویی و خوش‌سخنی و گشاده‌رویی با دیگران.<sup>۶</sup> بنابراین، به کسی خوش اخلاق گفته می‌شود که با گشاده‌رویی، زبانی ملایم و برخوردی شاد و محبت‌آمیز با مردم روبرو می‌شود، و در هر شرایطی این توانایی را دارد که با خوش‌رویی برخورد کند.

۱. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، ص ۵۱.

۲. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الحقائق فی محاسن الاخلاق، ص ۵۴.

۳. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (حکمت عملی)، ص ۲۲.

۴. نراقی، ملامحمد مهدی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص ۳۷۳.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، الأخلاق فی القرآن، ج ۳، ص ۱۲۰؛ فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، المحجّة البیضاء فی تهذیب الإحیاء، ج ۵، ص ۹۵.

۶. نراقی، ملامحمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۴۲؛ مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق فی القرآن، ج ۳، ص ۱۰۹.

**مفاهیم مرتبط:** برخی واژه‌ها که در قرآن کریم، روایات و منابع اخلاق اسلامی به گونه‌ای هم‌معنی با خوش‌خلقی یا جزء لازم خوش‌خلقی یا از مصادیق برتر حسن خلق و یا نقطه مقابل آن هستند، عبارتند از:

۱. معاشرت نیکو
۲. فتوت و مروت: در برخی روایات، خوش‌خلقی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مروت ذکر شده است همچنین در احادیث بسیاری مؤلفه‌های مروت از مؤلفه‌های خوش خلقی شمرده شده است. بنابراین این دو با هم ارتباطی وثیق دارند.
۳. سوء خلق: که ضد خوش خلقی است.
۴. مکارم اخلاق: که طبق روایات، عبارت است از طیفی از اخلاق متعالی که مورد عنایت ویژه اولیای دین قرار گرفته‌اند؛ یا به این جهت که ریشه‌ی خلیات دیگر هستند دارای برجستگی خاصی در کمال‌یابی انسان هستند.
۵. خلق عظیم: که خدای متعال، پیامبر صلی‌الله‌علیه و آله خود را به آن می‌ستاید.<sup>۱</sup> و همان مکارم تکمیل شده است که طبق روایات در همه انبیا مسجل بوده و در پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله به کمال رسید؛ چنان‌که فرمود: «من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به کمال برسانم.»<sup>۲</sup>

### ۱-۳- خانواده

**الف) معنای لغوی:** خاندان، دودمان، تبار<sup>۳</sup>، مجموعه خویشاوندان، اهل خانه، اهل البیت<sup>۴</sup>، فامیل، تیره.<sup>۵</sup>

**ب) معنای اصطلاحی:** تاکنون تعاریف گوناگونی برای خانواده ارائه شده است که عموماً بر اساس دو نکته بیان گردیده؛ یکی ساختارهای موجود خانواده که تاریخ از آن یاد کرده است و دیگری انتظاراتی که از کارکرد خانواده بوده و هست .

- «مجموعه‌ی افراد دارای پیوند سببی یا نسبی که در زیر یک سقف زندگی می‌کنند.»<sup>۶</sup>

۱. قلم/ ۴

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۷۳.

۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه خانواده.

۴. معین، محمد، فرهنگ معین، ص ۵۰.

۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ذیل واژه خانواده.

۶. معین، محمد، فرهنگ معین، ص ۴۸-۵۸.

- «خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند؛ فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند.»<sup>۱</sup>

- «خانواده همچون گروهی از افراد است که روابط آنان با یکدیگر بر اساس هم‌خونی شکل می‌گیرد و نسبت به یکدیگر خویشاوند محسوب می‌شوند.»<sup>۲</sup>

- «خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آن‌ها تولید مثل است.»<sup>۳</sup>

اولین مفهوم مشترکی که از مجموعه تعارف ذکر شده و ده‌ها تعریف ارائه شده‌ی دیگر استنباط می‌شود این است که خانواده پیوند عمیق و پایدار جسمی و روحی هر چند نفر برای زیستن در فضای واحد است؛ یعنی بدون تحقق این پیوند، خانواده معنایی ندارد. قوام این بنا به میزان پیوند اعضای آن بستگی دارد.

باتوجه به اینکه در این پژوهش با رویکرد دینی به ویژگی‌های خانواده پرداخته می‌شود، لذا باید گفت خانواده از نگاه اسلام و آموزه‌های دینی، نهادی مقدس، سازمانی حرکت آفرین، ساحلی برای آرامش و بستری برای رشد و تربیت، جایگاه پیشرفت مادی و معنوی و تجلی‌گاه شکوفایی و بالندگی است.

## ۲- عوامل بد اخلاقی در خانواده

بد اخلاقی صفت ناپسندی است که زندگی انسان را تیره و تار می‌کند. ورود بدخلقی در محیط زندگی خانوادگی موجب عوارض منفی بی‌شماری می‌گردد که در قالب تندخویی، گرفتگی چهره، بی‌حوصلگی، اخم و بهانه‌گیری نمایان می‌شود.

بد اخلاقی یکی از آفات ویرانگر زندگی خانوادگی است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ شَقَاوَتِهِ سُوءُ الْخُلُقِ»<sup>۴</sup> یکی از شاخه‌های سعادت آدمی در زندگی، خوش اخلاقی است و از جمله عوامل شقاوت او بدخلقی است.

<sup>۱</sup>. قنادان، منصور، جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، ص ۱۴۸.

<sup>۲</sup>. همان، ص ۱۵۲.

<sup>۳</sup>. سارو خانی، محمدباقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۵.

<sup>۴</sup>. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۴۷.

بداخلاقی در اثر برخی عوامل به وجود می‌آید و در واقع نوعی زمینه سازی برای بداخلاقی است. برخی از مهم‌ترین عوامل بداخلاقی در خانواده عبارتند از:

## ۲-۱- بدگمانی

یکی از مهم‌ترین عوامل بداخلاقی در خانواده، بدگمانی زن و شوهر به یکدیگر است که آثار منفی بسیاری را به همراه دارد. شخص بدگمان دارای روحیه منفی‌بافی و بیمارگونه است. او از سلامت‌روحي و تعادل روانی برخوردار نبوده، به رفتار و گفتار دیگران بادیده بدبینی می‌نگرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ، إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»<sup>۱</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، زیرا برخی از گمانها، گناه است. همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا»<sup>۲</sup> چیزی را که به آن علم نداری (از روی ظن و گمان) پیروی مکن و ترتیب اثر مده که گوش و چشم و دل، همگی باز خواست می‌شوند.

انسانی که بر اثر روحیه بدبینی، به همسر خود اعتماد و اطمینان ندارد، از آرامش و صفای زندگی خانوادگی محروم خواهد بود. چنین فردی در روابط اجتماعی نیز موفق نخواهد شد، چرا که در نتیجه به گمانی بد دیگران، دوستان خود را از دست داده، تنها خواهد ماند. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَثِقْ بِأَحَدٍ لِسُوءِ ظَنِّهِ وَ لَمْ يَثِقْ بِهِ أَحَدٌ لِسُوءِ فِعْلِهِ»<sup>۳</sup> بدترین مردم کسی است که به علت بدگمانی، به هیچ کس اعتماد ندارد و به جهت رفتار بدش، کسی به او اطمینان نمی‌کند.

بدگمانی آثار نامطلوبی در زندگی انسان دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- **برانگیختن بدی‌ها:** یکی از نتایج زیانبار بدگمانی، کاهش انگیزه نیکوکاری و ارتکاب اعمال ناپسند است.

اگر مردی در مسائل خانوادگی نسبت به همسرش بدگمان باشد، اتهامات واهی و بی‌اساسی را به وی نسبت داده و سبب می‌شود که زشتی اعمال بد در نظر او، ناچیز جلوه داده شود و انجام اعمال ناشایست را برای او آسان می‌کند و در نتیجه، رفتار او را بتدریج به سمتی انحرافی و نامطلوب سوق داده، موجب ظهور اعمال ناپسند از سوی او خواهد شد.

۱. حجات/۱۲

۲. اسراء/۳۶

۳. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۷۸



امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره فرمود: «سَوْءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ وَ يَبْحَثُ عَلَي الشُّرُورِ»<sup>۱</sup> بدگمانی کارها را فاسد می‌کند و بدیها را بر می‌انگیزد.

**۲- اختلافات خانوادگی:** از دیگر آثار منفی بدگمانی به همسر، ایجاد زمینه وسیع درگیری و اختلافات خانوادگی است. از نظر فرد بدبین، اغلب رفتارهای همسر، مشکوک و نادرست است و همین خیال واهی، موجب اعتراضات بی‌اساس، پرخاش‌های بیجا، دخالت‌های ناروا، اتهامات پوچ و واکنش‌های ناپسند او در مقابل رفتار همسر می‌شود. تحمل چنین وضعی در دراز مدت برای انسان مشکل و طاقت فرساست. همسر چنین فردی هراندازه که صبور و خویشتندار باشد، پس از گذشت مدت زمانی، کاسه صبرش لبریز شده، به مقابله با او خواهد پرداخت.<sup>۲</sup>

در نتیجه، بر اثر غلبه روحیه بدگمانی، همواره به خاطر مسائل جزئی و غیر قابل اعتنا، درگیری‌های مستمر خانوادگی به وجود آمده، صلح و آرامش از این خانه رخت برمی‌بندد و دوستی و محبت زن و شوهر، تبدیل به جدایی روحی از یکدیگر خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سَوْءُ الظَّنِّ لَمْ يَتْرُكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلٍ صَلْحاً»<sup>۳</sup> بدگمانی بر هر کس چیره شود، بین او و هیچ دوستی، صلح و آرامش باقی نخواهد گذاشت.

## ۲-۲- بی‌اعتنایی به همسر

یکی دیگر از عوامل بداخلاقی در خانواده که امری ناپسند و زیان آور است بی‌اعتنایی به همسر است.

بی‌اعتنایی به همسر دارای عوامل متعددی است که بعضی از آنها را در زیر می‌خوانیم:

**۱- روحیه خودبرتر بینی:** روحیه خودبزرگ‌بینی باعث می‌شود که شوهر نیازها، مشکلات و خواسته‌های همسرش را نادیده گرفته، تنها به فکر بهره برداری از او و رسیدن به امیال نفسانی خود باشد و از همسرش توقع دارد که همیشه در خدمت خواسته‌ها و امیال وی باشد و تا پای جان برای او تلاش کند، ولی خود همچنان با نیازها، مشکلات، احساسات و سخنان همسرش با بی‌اعتنایی برخورد می‌کند. این گونه افراد در واقع گرفتار صفت ناپسند تکبر هستند و در خانه ذلت نشسته و خود نمی‌دانند.

<sup>۱</sup> آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۱۳۲

<sup>۲</sup> فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ج ۱، ص ۷۳.

<sup>۳</sup> آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۴۰۶

امیر مؤمنان علی علیه السلام حالت آنها را چنین ترسیم می‌کند: «التَّكْبَرُ فِي الْوِلَايَةِ ذُلٌّ فِي الْعَزْلِ» خود بزرگ بینی در سرپرستی و ولایت، خواری در انزواست.

چنین افرادی در چشم دیگران و حتی همسران تحقیر شده خود، هیچ گونه ارج و منزلتی ندارند، زیرا به گفته امیر مؤمنان علیه السلام: «تَكْبَرُ الْمَرْءِ يَضَعُهُ؛» خود بزرگ بینی مرد، او را کوچک می‌کند.»

۲- بی توجهی به نقش همسر: افرادی که به علت خودبینی فقط به کار و تلاش خود توجه داشته، از رنج و کوششی که همسر آنها در زندگی مشترک متحمل می‌شود، غفلت دارند، نقش مهم او را در خانواده، درک نکرده‌اند، به همین جهت نسبت به او تا اندازه‌ای بی‌اعتنا و بی‌تفاوت می‌شوند.

در علم اخلاق از این حالت زشت به کفران نعمت یا «ناسپاسی» یاد می‌شود که در اسلام از آن سخت نکوهش شده است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «كُفِرَ النَّعْمَةَ لَوْمٌ»<sup>۱</sup> ناسپاسی نعمت، پستی است. و نیز می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ النَّارِ كُلُّهُمْ كَفُورٌ وَ مَكْوَرٌ»<sup>۲</sup> همه ناسپاسان و نیرنگبازان، اهل دوزخند.

## ۲-۳- بدزبانی

عامل دیگری که برای بداخلاقی در خانواده ذکر شده است و سلامت و آرامش این نهاد را تهدید می‌کند و اگر به صورت عادت درآید، همواره زن و شوهر را درگیر آثار منفی و زیانبار خود می‌سازد، بدزبانی است. بدین جهت، آیات و روایات فراوانی درباره پرهیز از آزادی بی‌حد و حصر زبان و تأکید بر محافظت آن وارد شده است.

قرآن کریم برای سخن زیبا و نیکو ارزش زیادی قائل شده و با بیانی سرشار از عطوفت و صمیمیت از بندگان خدا خواسته است، تا سخن خود را به برترین صورت بر زبان آورند. «قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»<sup>۳</sup> به بندگانم بگو برترین سخن را بگویند.

یعنی سخن خوش و پسندیده‌ای که موجب خشنودی شنونده گردد، آن گونه که انسان دوست دارد دیگران با او سخن بگویند.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۳، ص ۲۷۸

۲. همان، ج ۲، ص ۴۹۸

۳. همان، ص ۴۹۲

۴. اسراء/ ۵۳.

۵. مقدس نیا، محمد، آداب معاشرت، ص ۸۱.

مردی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و تقاضای نصیحت کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِحْفَظْ لِسَانَكَ» زبانت را حفظ کن. سپس در برابر تقاضای مکرر او تا سه مرتبه این جمله را تکرار کرده، فرمود: «وَيُحَكَّ وَ هَلْ يُكَبُّ النَّاسَ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ السِّنْتِهِمْ»<sup>۱</sup> وای بر تو! آیا مردم را جز درو شده‌های زبانشان به رو در آتش دوزخ می‌اندازد؟! امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ خَافَ النَّاسَ لِسَانَهُ فَهُوَ فِي النَّارِ»<sup>۲</sup> کسی که مردم از زبان او بترسند، در آتش دوزخ خواهد بود.

غیر از بدزبانی آفت‌های دیگری نیز برای زبان وجود دارد که بعضی از آنها عبارتند از:

۱- **سرزنش:** سرزنش کردن هنگامی جزو آفات زبان محسوب می‌شود که به صورت یک عادت ریشه‌دار درآمده باشد و در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی، قبل از هر چیز، در مورد همسر و فرزندان اجرا شود و برخورد خصمانه و عتاب آمیزی را به وجود آورد، اما اگر سرزنش کردن از عادت ریشه نگرفته باشد و براساس اصول تربیتی باشد، می‌توان از آن برای اصلاح همسر و فرزندان استفاده کرد. در هر حال، باید توجه داشت که حتی در صورت ضرورت، نباید در این باره افراط و زیاده‌روی کرد، بلکه باید به حداقل آن اکتفا نمود، چرا که زیاده‌روی در آن، آثار نامطلوبی از خود به جا می‌گذارد و کانون گرم خانواده را به مخاطره می‌اندازد.<sup>۳</sup> امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَأَمَةِ يَشْبُ نَارَ اللَّجَاجَةِ»<sup>۴</sup> زیاده‌روی در نکوهش، موجب شعله‌ور شدن آتش لجاجت می‌شود.

جستجوی نقاط ضعف دیگران و افشای آنها روابط سالم اجتماعی را بهم می‌زند، عیوب مخفی را آشکار می‌کند و لغزشکاران را بی پروا می‌سازد و فساد را فراگیر می‌کند. از این رو سرزنش کردن یکی از رذایل اخلاقی به شمار آمده و مورد نکوهش قرار گرفته است. خداوند سبحان می‌فرماید: «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ»<sup>۵</sup> وای بر هر عیبجویی مسخره کننده! «هُمَزَةٌ» از ماده «همز» و در اصل به معنای شکستن است. از آنجا که افراد عیب‌جو، شخصیت دیگران را درهم می‌شکنند، به آنها «هُمَزَةٌ» گفته شده است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۷۷

۲. همان، ج ۴، ص ۱۹

۳. فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ج ۱، ص ۷۵.

۴. آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم، ج ۷، ص ۳۵۹

۵. هُمَزَةٌ / ۱

«لُمَزَه» از ماده «لَمَزَ» و در اصل به معنای غیبت کردن و عیبجویی نمودن است و گاه گفته شده هر دو، به معنای کسی است که مردم را با القاب زشت و زننده، یاد می‌کند.<sup>۱</sup>

تکرار سرزنش نیز موجب بی‌اثر شدن آن و پافشاری شخص، بر رفتار نادرست خویش می‌گردد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «إِيَّاكَ أَنْ تُكْرَرَ الْعَتَبَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ وَيُهَوِّنُ الْعَتَبَ»<sup>۲</sup> از تکرار ملامت بپرهیز که حرص بر گناه می‌آورد و سرزنش را بی‌ارزش می‌کند.

۲- **ناسزاگویی:** ناسزاگویی برای بعضی به صورت عادت ریشه‌داری درآمده و در هنگام ناراحتی و نارضایتی از همسر، خشم خود را به صورت فحش و ناسزا نسبت به او ابراز می‌کنند. بیشتر اوقات، درگیری‌های لفظی زن و شوهر با ناسزاگویی این افراد به پایان می‌رسد و در نتیجه زن که همواره مورد هتاک و ناسزاگویی شوهر قرار می‌گیرد، کینه او را به دل گرفته و از او متنفر می‌شود؛ بدین گونه است که این افراد نزد همسر خود از محبوبیت و احترام معمول خانوادگی، برخوردار نبوده، شخصیت آنها نزد همسرشان خرد می‌شود.<sup>۳</sup>

قرآن مجید به مردم مؤمن اجازه‌ی ناسزا حتی به دشمنان خدا نمی‌دهد: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...؛ شما ای اهل ایمان، به آنان که غیر خدا را به عنوان معبود می‌خوانند دشنام ندهید، که آنان هم در پاسخ شما از روی جهالت و نادانی به خدا ناسزا می‌گویند.» علی علیه السلام می‌فرماید: «إِحْدَرُ فُحْشَ الْقَوْلِ وَالْكَذِبَ فَإِنَّهُمَا يُزْرِيانِ بِالْقَائِلِ»<sup>۴</sup> از فحاشی و دروغ بپرهیز که این دو، گوینده خود را کوچک می‌کنند.

ناسزاگویی در محیط خانواده، نه تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه بر مشکلات می‌افزاید. شخص ناسزاگو در خانواده، به عنوان فردی نامتعادل شناخته می‌شود که می‌خواهد همه مشکلات را با زبان زشت خود حل کند و به جهت بی‌احترامی مکرر به افراد خانواده و ناسزاگویی به آنان، بتدریج، حرمت خویش را نیز ضایع خواهد کرد.

برای اصلاح این عادت ناپسند، باید با گذشت زمان بر اثر تمرین خویشتنداری، در هنگام ناراحتی و هیجان روحی، کنترل نیروی خشم را به دست گرفته، برای حل مشکلات از راههای واقع بینانه و عاقلانه اقدام کرد.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۹.

۲. آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۲۳.

۳. فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ج ۱، ص ۷۶.

۴. انعام / ۱۰۸.

۵. فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ج ۲، ص ۲۷۹.

۳- نام زشت نهادن: برخی افراد برای تفریح و شیرین زبانی به صورتی تمسخرآمیز، لقبی بر دیگران نهاده، گاه و بی‌گاه با مطرح کردن آن نام، او را آزرده خاطر می‌کنند. گاهی انگیزه این کار، میل به تحقیر دیگران و نوعی انتقام جویی است که در هر صورت موجب تمسخر، تحقیر و آزدگی همسر خواهد شد. چنین صفت ناپسندی، مغایر با شؤون اخلاقی خانواده و مخالف قرآن مجید است که می‌فرماید: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَقَابِ»<sup>۱</sup> با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید.

به هر حال، باید مراقب بود که در مواقع مختلف، بخصوص هنگام شوخی و بذله‌گویی یا عصبانیت و انتقاد، چنین عمل نادرستی از انسان سرزنند که موجب ناراحتی و آزدگی همسر خواهد شد.

## ۲-۴- عیب‌جویی

شخص عیبجو هرگز به اصلاح عیوب خود و دیگران اهمیتی نمی‌دهد و همواره درصدد است که از دیگران عیبی یافته و به منظور سرزنش، زخم زبان، انتقام جویی یا اغراض دیگر آن را بازگو کند. این گونه افراد قبل از دیگران، خود، نیازمند اصلاح هستند و باید در مرحله اول خود را اصلاح کنند که پرداختن به عیوب دیگران و غفلت از عیوب خویش یکی از لغزشگاههای بزرگ انسان است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «جَهْلُ الْمَرْءِ بِعُيُوبِهِ مِنْ أَكْبَرِ ذُنُوبِهِ»<sup>۲</sup> ناآگاهی شخص به عیبهای خویش، از بزرگترین گناهان اوست.

خداوند سبحان می‌فرماید: «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةً»<sup>۳</sup> وای بر هر عیبجویی مسخره کننده! این گونه افراد بنا بر عادت، همواره از همسر خود عیبجویی کرده، بدین طریق او را آزار می‌دهند و با این رفتار نادرست، نه تنها عیبهای همسر را اصلاح نمی‌کنند، بلکه در اخلاق او تأثیر منفی می‌گذارند. بدین جهت، پیشوایان دین توجه انسان را از عیب دیگران به اصلاح عیوب خویش معطوف کرده‌اند، چرا که فقط کسانی توانایی اصلاح دیگران را دارند که ابتدا عیبهای خود را اصلاح کرده باشند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ»<sup>۴</sup> خوشا به حال کسی که پرداختن به عیوب خویش، او را از توجه به عیبهای دیگران بازداشته است.

۱. حجرات/ ۱۱

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۹۱

۳. هُمَزَه/ ۱

۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۸۰

بنابراین، خوشبختی در آن خانه‌ای است که اهل آن، در مرحله اول به بازنگری در اخلاق خویش و یافتن نقص و لغزش‌های خود پرداخته، سپس با لحنی ملایم، محترمانه و بدون هیچ گونه تحقیر و اهانت و باتوجه به شرایط و ظرفیت روحی همسر، به اصلاح او بپردازند، بگونه‌ای که با رضایت خاطر درصدد اصلاح خویش برآید.<sup>۱</sup>

### ۳- آثار بداخلاقی در خانواده

بدخلقی، محیط خانه را به جهنم سوزانی تبدیل می‌کند که ثمره‌ای جز از دست دادن خوشبختی و سعادت افراد خانواده ندارد. اینک برخی از آثار منفی بدخلقی را ذکر می‌کنیم:

#### ۳-۱- ضایع شدن شخصیت انسانی

اولین اثر منفی بدخلقی به طور مستقیم متوجه شخص بدخلق می‌گردد؛ بدین معنی که بداخلاقی چنان چهره زشت و نامطلوبی از انسان ارائه می‌دهد که با مشاهده آن، خوبیها، صفات ارزشمند و سایر ارزشهای اجتماعی او از یاد رفته، شخصیتش او ضایع می‌شود و وی در نظر دیگران خوار و ذلیل می‌گردد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «رَبَّ عَزِيزٍ اَذَلَّهُ خُلُقُهُ وَ رَبَّ ذَلِيلٍ اَعَزَّهُ خُلُقُهُ»<sup>۲</sup> چه بسا عزیزی که اخلاق بد، مایه ذلت و خواری او شده و چه بسا خوار و ذلیلی که اخلاق خوب، او را به عزت و بزرگی رسانده است.

علاوه بر آن، بدخلقی مایه بی‌ارزشی و ضایع شدن آثار اعمال نیک انسان می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «انَّ سَوْءَ الْخُلُقِ لَيُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ»<sup>۳</sup> بدخویی، کردار را تباه می‌سازد، چنان که سرکه عسل را.

اگر در زندگی خانوادگی، هر یک از زن و شوهر، بدخلق و بدرفتار باشند، ویژگیهای مثبت و خوبیهای آنان کمرنگ شده، به یکدیگر احترام نمی‌گذارند و در نتیجه، شخصیت و عزت خود را از دست خواهند داد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ كَثَرَ خُرْقُهُ اسْتُرْدِلَ»<sup>۴</sup> هرکس بدخلقی‌اش زیاد باشد، خوار و پست شمرده شود.

۱. فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ج ۱، ص ۸۲.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید هاشم رسولی، ج ۴، ص ۱۱

۴. آمدی، عبدالواحد، شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۱۸۳

### ۳-۲- ایجاد ترس و اضطراب

بدخلقی در خانه و یا در محیط کار و زندگی، زمینه تفاهم و همدلی و صمیمیت را از بین برده، موجب دوری از مردم می‌شود و در نتیجه آشفتگی روحی و احساس تنهایی و دلهره را به همراه دارد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ خَشِنَتْ عَرِيكَتُهُ أَفْزَرَتْ حَاشِيَتَهُ»<sup>۱</sup> هر کس درشت خوی باشد، دور و برش خالی گردد (و کسی در کنار او نمی‌ماند). محیط خانه و زندگی باید محل آرامش و آسایش زن و مرد و فرزندان آنان باشد.

بداخلاقی، آرامش و صفای محیط خانواده را از بین برده، ترس و دلهره را جایگزین آن می‌کند؛ بعلاوه آنگاه که شوهر با بدخلقی عرصه زندگی را برای همسرش تنگ کند و به جای ملامت و نیکی، خشونت کرده، اضطراب و ترس را بر وی چیره سازد و تعادل روحی او را از بین ببرد، زن نیز احساس وحشت می‌کند و خود را در برابر دیو بدخلقی گرفتار می‌یابد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «لَا وَحْشَةَ أَوْحَشُ مِنْ سُوءِ الْخُلُقِ»<sup>۲</sup> هیچ وحشتی، ترسناک‌تر از بدخلقی نیست.

### ۳-۳- زوال محبت

اثر دیگر بدخلقی، کاهش مهر و محبت و از بین رفتن مهربانی و دوستی است. رفتار انسان بدخلق، برای هیچ کس خوشایند نیست. همه از خوی ناپسند، در رنج و عذاب بوده، از آن نفرت دارند. بدخلقی محبت‌های گذشته را به نفرت و انزجار مبدل می‌کند و موجب ناخشنودی آنان می‌گردد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ مَلَأَ أَهْلُهُ»<sup>۳</sup> هر کس بداخلاق باشد، خانواده‌اش از او ناخشنود می‌شوند.

خوشرویی کمترین بهایی است که زن در مقابل تلاش شبانه‌روزی خود، از شوهر انتظار دارد و در حقیقت جبران‌کننده بسیاری از کمبودهای مادی زندگی بوده، تحمل ناهمواریهای آن را برای او میسر می‌سازد. زنی که همواره با تندخویی شوهرش رو به رو می‌شود، زندگی در نظرش تیره و تاریک شده، از معاشرت با همسر بی‌حوصله و بدخلق خود خسته و درمانده خواهد شد.<sup>۴</sup>

۱. همان، ج ۵، ص ۳۲۵

۲. همان، ج ۶، ص ۴۰۰

۳. همان، ج ۵، ص ۳۲۸

۴. فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، ج ۱، ص ۷۲.

گاهی تندخویی و بداخلاقی افراد چنان خسته کننده و نفرت انگیز است که عده‌ای به انتظار مرگ آنان نشسته و بدین وسیله شاد می‌شوند. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «مَنْ سَاءَتْ سَجِيَّتُهُ سَرَّتْ مَنِيَّتُهُ» هر کس بداخلاق باشد، مرگش مایه شادی گردد.

## ۴- راهکارهای پرهیز از بداخلاقی در خانواده

«احترام متقابل زن و شوهر»، «محبت به یکدیگر»، «گذشت و بخشش»، «مسئولیت پذیری»، «تفاهم با یکدیگر» از جمله مهم‌ترین راهکارهای پرهیز از بداخلاقی در خانواده است که در ادامه به بررسی هر یک می‌پردازیم:

### ۴-۱- احترام متقابل

احترام زن و شوهر به یکدیگر در سلامت روحی، افزایش محبت و خوش اخلاقی و در نهایت تحکیم خانواده تأثیر بسزایی دارد. دایره این احترام، شامل ارج نهادن به شخصیت یکدیگر، احترام به نظریات، افکار و سلیقه همدیگر شده، و تمام شؤون زندگی آنها را تحت تأثیر نیکوی خود قرار خواهد داد.

مرد باید به همسر خود احترام گذاشته، از اهانت، ناسزاگویی، سبک کردن و خرد کردن شخصیت او بپرهیزد و هرگونه انتقادی را با رعایت احترام و ادب مطرح کرده، از فریاد زدن، ابراز خشونت و تحقیر او در نهان و آشکار خودداری کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «برادرم جبرئیل به من خبر می‌داد و همواره سفارش زنان را به من می‌کرد، تا آنجا که گمان کردم جایز نیست شوهر به زنش «اف» بگوید، ای محمد (ص)! در مورد زنان تقوای الهی پیشه کنید ... با آنان مهربان باشید و رضایت خاطر آنها را فراهم کنید، تا در کنار شما باشند، آنان را بر کاری مجبور نکنید، برایشان خشم نگیرید و اموالی که به آنان داده‌اید- جز با رضایت و اجازه آنها- پس نگیرید.»<sup>۲</sup>

زنی که از همسر خود بی‌احترامی دیده و همواره مورد اهانت او قرار می‌گیرد، شخصیتش لطمه دیده و نشاط و شکوفایی خود را از دست می‌دهد و بتدریج باور می‌کند که نزد همسرش ارزشی ندارد و با چنین روحیه درهم شکسته‌ای نمی‌تواند فرزندان باشخصیت پرورش دهد.

<sup>۱</sup> همان، ج ۵، ص ۲۷۲

<sup>۲</sup> نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲.



امام صادق علیه‌السلام در مورد احترام به زن توصیه کرده، می‌فرماید: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا، فَإِنَّمَا امْرَأَةٌ أَحَدِكُمْ لُعْبَةٌ، فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلَا يُضَيِّعُهَا»<sup>۱</sup> هر کس زن بگیرد باید به او احترام بگذارد. همانا زن هر کدام از شماها دلبر و معشوق شماست، بنابراین هر کس زن می‌گیرد نباید او را ضایع سازد. این مسأله از طرف زن نیز باید رعایت شود و نسبت به همسرش احترام کند؛ همان حضرت در این باره می‌فرماید: «... سَعِيدَةٌ سَعِيدَةٌ امْرَأَةٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تَطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ»<sup>۲</sup> بسیار سعادتمند است زنی که به شوهرش احترام گذارد، او را آزار ندهد و همواره از او اطاعت کند.

#### ۴-۲- محبت

یکی دیگر از راهکارهای پرهیز از بداخلاقی در خانواده که امید و حرکت را به ارمغان می‌آورد، محبت زن و شوهر به یکدیگر است. انسان نیازهای عاطفی فراوانی دارد که نیاز به محبت، یکی از اساسی‌ترین آنهاست؛ او دوست دارد هم مورد محبت دیگران قرار گیرد و هم نسبت به آنها ابراز علاقه کند. زندگی بدون محبت برای او جاذبه‌ای نداشته و از آن گریزان است.

از آنجا که زن موجودی عاطفی است و عواطف و احساسات او بر جنبه‌های دیگرش غلبه دارد، نیاز او به محبت، بیش از مرد است و شاید به همین سبب، خداوند نسبت به زنان بیش از مردان مهربان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى النِّسَاءِ أَرْأَفُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ»<sup>۳</sup> خداوند تعالی نسبت به زنان بیش از مردان مهربان است.

بنابراین، بهتر است شوهر، آغازگر ابراز محبت و تداوم بخش آن باشد. در این صورت، علاقه زن نسبت به او شدت یافته، او نیز درصدد ابراز محبت برمی‌آید. ساختار وجودی و خصوصیات فطری زن، او را بشدت، نیازمند محبت همسر قرار داده است. زنی که از این موهبت بی‌بهره باشد، همواره باحسرت تمام درصدد جبران این کمبود روحی خواهد بود.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنَ الرَّجُلِ، وَ أَنَّمَا هِمَّتْهَا فِي الرَّجَالِ، فَاحْبَبُوا نِسَاءَكُمْ»<sup>۴</sup> همانا زن از مرد آفریده شده و توجه او به مردان معطوف است، پس زنانتان را دوست بدارید. ابراز محبت نسبت به زن به دو صورت «عملی» و «زبانی» انجام می‌گیرد؛ ابراز محبت عملی، در برخورد ملایم و محبت‌آمیز مرد نسبت به همسرش نمایان می‌شود و بدین گونه زن، علاقه مرد نسبت به خود را از رفتار او در می‌یابد. ابراز محبت زبانی نیز نقش ویژه‌ای در تحکیم پیوند خانوادگی دارد.

<sup>۱</sup> مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۴

<sup>۲</sup> نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۷.

<sup>۳</sup> فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۱۹.

<sup>۴</sup> مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۶

زن به ابراز محبت زبانی شوهر نیاز دارد و به وسیله آن از محبت قلبی شوهر نسبت به خود اطمینان یافته، آرامش خاطر پیدا می‌کند و هرگز شیرینی آن را فراموش نمی‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ أَنِّي أَحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»<sup>۱</sup> سخن مرد به همسرش که «من دوستت دارم» هرگز از قلبش بیرون نخواهد رفت.

محبت به همسر هراندازه بیشتر باشد، مطلوبتر است، زیرا محبت از عواطف انسانی او سرچشمه می‌گیرد و نباید آن را با شهوت که امری غریزی است، یکی دانست.

انبیای الهی که مظهر والای عواطف انسانی هستند، همگی از این خصلت برخوردار بوده‌اند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «مِنْ اخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ حُبُّ النِّسَاءِ»<sup>۲</sup> محبت به زنان از اخلاق پیامبران است.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز که منبع عطوفت و محبت بود، نسبت به زنان محبت ویژه‌ای داشت و آنان را همواره مورد لطف و مهربانی خود قرار می‌داد. درباره آن حضرت چنین گفته شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرْحَمَ النَّاسِ بِالنِّسَاءِ وَ الصَّبِيَانِ»<sup>۳</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله مهربانترین مردم نسبت به زنان و کودکان بود.

### ۴-۳- گذشت و بخشش

گذشت و اغماض هر یک از زن و شوهر از لغزشها و کارهای ناپسند دیگری در محیط خانواده از اهمیت فراوانی برخوردار است و بی‌توجهی به آن، جوّ خوش اخلاقی و صمیمیت و آسایش حاکم بر خانواده را به محیط اضطراب، بدبینی، عصبانیت و عیبجویی مستمر و بداخلاقی هر یک از اعضا نسبت به یکدیگر تبدیل خواهد کرد.

بهترین راه به دست آوردن آرامش و سلامت روان و رهایی از اضطراب و ناراحتی و دوری از بدبینی و بی‌اعتمادی، گذشت از بدیها، ظلمها و اشتباهات همسر است.

خداوند تعالی کسانی را که از لغزشهای دیگران می‌گذرند با تعبیر «محسنین» ستوده و در وصف آنها می‌فرماید: «... وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۴</sup> [آنان] خشم خود را فرو می‌خورند و از خطای مردم در می‌گذرند. خدا نیکوکاران را دوست دارد.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰

۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، سنن النبی، ص ۱۴۷

۳. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، محجة البیضا، ج ۳، ص ۹۸

۴. آل عمران/ ۱۳۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله از این صفت پسندیده به عنوان بهترین اخلاق دنیا و آخرت یاد کرده، می‌فرماید:

«إِذَا أَخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ خَلَائِقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ، وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ، وَالْإِحْسَانُ إِلَى مَنْ إِسَاءَ إِلَيْكَ، وَاعْتِظَاءُ مَنْ حَرَمَكَ»<sup>۱</sup> می‌خواهید شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت خبر دهم؟ آن اخلاق این است: از کسی که به تو ستم کرده، درگذری، با خویشاوندی که از تو بریده، پیوند برقرار کنی، به کسی که نسبت به تو بدی کرده، نیکی کنی و به کسی که تو را محروم کرده، بخشش کنی. امیر مؤمنان صلوات‌الله‌علیه می‌فرماید: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ»<sup>۲</sup> عفو تاج مکرمتها (ی اخلاقی) است. کسی که در محیط خانه از خوی نیکوی گذشت بهره‌ای ندارد و با وقوع کوچکترین خطا و لغزشی از طرف همسر، در صدد انتقام برمی‌آید، خوشبختی خود را تباه کرده و زندگی‌اش را تیره و تار می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَلْبَةُ الْعَفْوِ أَفْبَحُ الْعُيُوبِ وَالتَّسَرُّعُ إِلَى الْأَنْتِقَامِ اعْظَمُ الذُّنُوبِ»<sup>۳</sup> کمی عفو و گذشت، زشت‌ترین عیب‌ها و شتاب در انتقام، از بزرگترین گناهان است. همان حضرت از کسانی که در زندگی گذشت ندارند، به عنوان بدترین مردم یاد کرده، می‌فرماید: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الزَّلَّةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ»<sup>۴</sup> بدترین مردم کسی است که از لغزش دیگران نمی‌گذرد و عیب‌های آنان را نمی‌پوشاند.

## ۴-۴- مسؤولیت پذیری

از جمله راهکارهای پرهیز از بداخلاقی که موجب تأمین سعادت خانواده نیز می‌شود، مسؤولیت پذیری متقابل همسران است. هر یک از زن و مرد باید بدانند که با قبول زندگی مشترک مسؤولیتهایی برعهده آنان قرار می‌گیرد که پیش از تشکیل خانواده از آن آسوده بودند؛ این مسؤولیتهای با توجه به اختیارات، تواناییها و شرایط خاص هر یک از زن و شوهر برعهده آنان قرار می‌گیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ كُلُّ رَاعٍ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى مَالِ زَوْجِهَا وَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُ»<sup>۵</sup> مرد نگهبان اهل بیت خود است، و هر نگهبانی در مورد آنچه که باید از آن نگهبانی کند، مسؤول است، و زن نگهبان مال همسرش است و نسبت به آن مسؤول می‌باشد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۹۷

۲. آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و درالکلم، ج ۱، ص ۱۴۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۵۰۵

۴. همان، ص ۱۷۵

۵. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۸

و نیز می‌فرماید: «الَا كُتُّكُمْ رَاعٍ وَ كُتُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ ... وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ هُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ؛ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَ وُلْدِهِ وَ هِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ» همه شما نگهبان و مسؤول هستید، ... مرد بر خانواده‌اش نگهبان است و نسبت به آنان مسؤول می‌باشد و زن بر خاندان همسر و فرزندان او مسؤول است.

این مسؤولیت در جانب مرد از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا وی عهده‌دار سرپرستی خانواده است و در نتیجه در قبال تمام مسائل و مشکلات فکری، روحی، اخلاقی و اقتصادی همسر و فرزندان خود مسؤول است و طفره رفتن و شانه خالی کردن از زیر بار این مسؤولیتها و بی تفاوتی نسبت به آنها آفت بزرگی برای زندگی خانوادگی محسوب می‌شود.

غفلت از شناخت مسؤولیت‌های گوناگون خانوادگی، آثار زیانبار بسیاری به همراه داشته، در نهایت موجب پشیمانی و حسرت انسان خواهد شد. بدین جهت، ضرورت دارد که هر انسانی پیوسته درباره مسؤولیت‌های خانوادگی خود بیندیشد و با شناخت کامل به انجام دقیق آنها همت گمارد. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «كُلُّ امْرِئٍ مَسْئُولٌ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَ عِيَالِهِ» هر مردی نسبت به زیردست و خانواده خود مسؤول است.

بعضی از نمودهای مسؤولیت پذیری زن و شوهر در زندگی خانوادگی عبارتند از:

۱- **تأمین هزینه زندگی:** شوهر وظیفه‌شناس و مسؤول نسبت به خانواده در تأمین هزینه زندگی از قبیل غذا، لباس، مسکن، اسباب و اثاثیه منزل و سایر مخارج لازم کوشش فراوان می‌کند. او کار کردن را شرف انسان، جوهر زندگی و جهاد فی سبیل الله می‌داند. از این رو، از تنبلی کردن بشدت می‌پرهیزد و در راه تحصیل روزی حلال تلاش می‌کند، رنج می‌برد، عرق می‌ریزد و خسته می‌شود تا زندگی را با آبرومندی اداره کند و نیازهای همسر و فرزندان خود را با شرافت تأمین کند. او از این راه خشنودی خدا را فراهم می‌آورد، چرا که امام باقر و امام صادق علیهما السلام می‌فرمایند: کسی پیش خدا خشنودتر و رفتارش پسندیده‌تر است که برای خانه و خانواده‌اش نعمت و آسایش بیشتری - دور از اسراف و تبذیر - فراهم کند.<sup>۳</sup>

۲- **مدیریت خانواده:** شوهر که مدیر خانه است، با تدبیر و دوراندیشی ویژه خود سیاستهای کلی خانواده را تعیین می‌کند و در ایفای مسؤولیت سرپرستی و جلب اطاعت همسر - از

<sup>۱</sup> ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶

<sup>۲</sup> آمدی، عبدالواحد، شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۶۳۳

<sup>۳</sup> مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۳۶

پیش- زمینه پذیرش و اطاعت را در او فراهم می‌کند، به امکانات و روحیات همسر خویش توجه کرده، در حدّ توان از او انتظار خواهد داشت؛ تنها در کار نیک و معروف به او فرمان می‌دهد و از خود رأیی در این زمینه دوری می‌کند و می‌داند که اگر فرمانی برخلاف فرمان خدا باشد، پذیرش و اطاعت همسر لازم نیست.

او طوری زندگی را رهبری می‌کند و به خانواده نشاط، خرمی، نظم و انضباط می‌بخشد که همسر و فرزندان او را به عنوان سرپرست واقعی می‌شناسند و اطاعت او را بر خود لازم می‌شمارند. زن وظیفه شناس نیز قدر زحمتهای شوهرش را می‌داند، به رهنمودها و دستورهای او احترام می‌گذارد، مدیریت او را در امور زندگی می‌پذیرد و مطابق دستوراتش عمل می‌کند و از این طریق ادامه زندگی مشترک را میسر می‌سازد.

۳- **همسر داری:** مرد مسؤول، زن را در دست خود امانت الهی دانسته، و نسبت به او احساس وظیفه می‌کند، به شخصیت، افکار و اعمال او احترام می‌گذارد، به نشاط و غذای روحی او و دیگر اعضای خانواده می‌رسد، در امور خانه و زندگی مشترک با همسر و فرزندان خود مشورت می‌کند و به آنها بال و پر می‌دهد. زن وظیفه‌شناس نیز به نظریات شوهر احترام می‌گذارد، از او اطاعت می‌کند، از صفات خوب او تشکر کرده، و با او مدارا می‌کند، از توقع خود می‌کاهد، و در حفظ مال، ناموس و آبروی شوهر می‌کوشد.<sup>۱</sup>

۴- **تربیت اولاد:** نمود دیگر مسؤولیت پذیری، در تربیت اولاد آشکار می‌شود، زن و شوهر وظیفه‌شناس، در تربیت صحیح و اسلامی فرزندان خود نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرند و در تمام مراحل رشد فرزند، اعم از دوران حمل، شیرخوارگی و پس از آن خود را نسبت به تربیت صحیح وی مسؤول دانسته و دستوراتی را که اسلام در این زمینه ارائه نموده، اجرا می‌کنند.

اهمیت این مسؤولیت به اندازه‌ای است که امام سجّاد علیه السلام از خداوند سبحان برای ادای این تکلیف استمداد طلبیده، عرض می‌کند: «... وَ اَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيَتِهِمْ وَ بَرِّهِمْ» بار خدایا مرا در تربیت، تأدیب و نیکی به فرزندانم یاری فرما.

۱. فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده ج ۱، ص ۵۶.

۲. صحیفه سجّادیه، دعای ۲۵

## جمع بندی و نتیجه گیری

بداخلاقی در هر خانواده‌ای معلول عوامل گوناگونی است که دامنگیر آن می‌شود. برای داشتن اخلاق نیکو، باید در زمینه پیراستن کانون گرم خانواده از عوامل بدخلقی تلاش کرد. هر عاملی که موجبات خوش اخلاقی را تضعیف کند، از عوامل بداخلاقی در خانواده محسوب می‌شود.

از دیگر عوامل بداخلاقی در خانواده، بدگمانی نسبت به همسر است که سلامت زندگی خانوادگی را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. برانگیختن زمینه‌های منفی و اختلافات و درگیریهای خانوادگی از جمله آثار نامطلوب بدگمانی در زندگی است.

بی‌اعتنایی به همسر از دیگر عوامل بداخلاقی در خانواده است که اگر به صورت عادت ریشه‌دار درآید، بنیان خانواده را با دشواریهای گوناگون رو به رو می‌سازد. بی‌اعتنایی به همسر با فلسفه زندگی مشترک خانوادگی منافات داشته، بیانگر نقص اساسی در شخصیت اخلاقی انسان است. روحیه خود برترینی عامل مهمی در جهت رشد بی‌اعتنایی نسبت به همسر است. عامل دیگر، بی‌توجهی به نقش ارزنده همسر در زندگی مشترک است.

بدزبانی نیز از عوامل مهم بداخلاقی در خانواده است که به صورتهای مختلفی بروز می‌کند. از این رو، پیشوایان دین تأکید زیادی بر حفظ زبان دارند. از آفتهای دیگر زبان می‌توان سرزنش، ناسزاگویی، نام زشت نهادن و عیبجویی را نام برد؛ سرزنش همسر اگر به صورت عادت درآید، اثر منفی بر اخلاق او می‌گذارد و نیز افراط در آن منجر به لجاجت می‌شود. ناسزاگویی و نام زشت نهادن بر همسر نیز از آفاتی است که باید از آن دوری کرد. عیبجویی از همسر نیز از بزرگترین عیبهای انسان است و روابط سالم خانوادگی را به تیرگی می‌کشد.

بنابراین بدخلقی یکی از آفات ویرانگر خانواده است و اثرات زیانباری دارد. اولین اثر بدخلقی، از بین رفتن تأثیر رفتار نیک و ویژگیهای مثبت انسان نزد همسر و فرزندانش می‌باشد. اثر دیگر بدخلقی ایجاد ترس و اضطراب در محیط خانواده است که آرامش روحی اعضای خانواده را سلب می‌کند. زوال محبت انسان نزد همسر و فرزندان، از دیگر آثار بدخلقی به شمار می‌رود.

سعادت خانواده در پرتو عوامل گوناگونی میسر است که بدون شناخت و تحصیل آنها تأمین نمی‌شود. بنابراین پرهیز از بداخلاقی راهکارهایی دارد. احترام متقابل میان زن و شوهر، از راهکارهای

مهم پرهیز از بداخلاقی در خانواده است که دایره وسیع آن تمام شوون زندگی خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

محبت به همسر از دیگر راهکارهای پرهیز از بداخلاقی در خانواده است که به محیط خانواده گرمی و صفا می‌بخشد. ابراز علاقه شوهر به زن، ضروری و مفید بوده و تأثیر فراوانی در تحکیم روابط عاطفی آنان دارد. فقدان محبت به زن آثار زیانباری دارد که سردی زندگی خانوادگی از آن جمله است.

یکی دیگر از راهکارهای پرهیز از بداخلاقی در خانواده، گذشت و اغماض نسبت به خطاهای همسر است که در حسن روابط خانوادگی نیز تأثیر بسیار دارد. لازمه زندگی سعادت‌مندانه، گذشت از ظلمها، اشتباهات و بدیهای همسر است و بدون آن نمی‌توان از آرامش و سلامت روحی برخوردار بود. زندگی خانوادگی براساس مسؤولیت مشترک همسران بنا نهاده شده است و مسؤولیت‌پذیری متقابل همسران از راهکارهای مهم پرهیز از بداخلاقی در خانواده محسوب می‌شود. هر یک از زن و شوهر در قبال نیازها و مشکلات همسر خود مسؤول است. دامنه این مسؤولیت‌ها به وظایف شرعی همسران محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد و جنبه‌های اخلاقی را نیز در بر می‌گیرد. غفلت از مسؤولیت‌های خانوادگی عواقب زیانباری دارد، بدین جهت شناخت دقیق مسؤولیتها و انجام آن ضرورت می‌یابد.

## منابع

\* قرآن کریم

\* صحیفه سجادیه

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم ، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵ش.
- ۳- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی ، چاپ هشتم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
- ۴- الزبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار مکتبه الحیاه، بی تا .
- ۵- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین ، چاپ سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۶- عمید، حسن، فرهنگ عمید، انتشارات اشجع، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
- ۷- فاخری، علیرضا، اخلاق خانواده، قم: معارف، ۱۳۸۲ش.
- ۸- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجۀ البیضاء فی تهذیب الإحیاء، چاپ چهارم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۶ش .
- ۹- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الحقائق فی محاسن الاخلاق، تهران ، کانون انتشارات پیام عدالت، ۱۳۷۳ش.
- ۱۰- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن ، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
- ۱۱- قنادان، منصور، جامعه شناسی مفاهیم کلیدی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲ش.
- ۱۲- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- ۱۳- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
- ۱۴- مجلسی ، محمد باقر ، بحار الانوار، بیروت ، دار الوفاء ، ۱۴۰۴ق .
- ۱۵- مسکویه، ابی علی، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم، انتشارات بیدار، بی تا.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی (حکمت عملی)، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
- ۱۷- مقدس نیا، محمد، آداب معاشرت، قم: افق فردا، چاپ: سوم، ۱۳۷۹ش.



- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر، الأخلاق فی القرآن، چاپ سوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۴ش .
- ۱۹- نراقی، ملا محمد مهدی، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، چاپ چهارم، بیروت، اعلمی، بی تا.
- ۲۰- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.
- ۲۱- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی؛ عطایی، محمدرضا، مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)، ترجمه تنبیه الخواطر، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.